

بررسی درجات قتل عمد بر مبنای عنصر روانی با تأکید بر نصوص قرآنی

* حمیدرضا دژن

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۶

** مهدی صبوری پور

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۲۴

*** محمود روح‌الأمینی

**** سیدمهدی احمدی موسوی

چکیده

در نظام تقنینی ایران بر خلاف سایر نظام‌های حقوقی درجه بندی قتل به رسمیت شناخته نشده است. حال سؤال مهم این است، چگونه می‌توان بین «معیار نوعی» که در «اقدام نوعاً موجب قتل بر دیگری» ملاک است با معیار شخصی که در «آگاهی و توجه مرتکب» میناست، جمع کرد؟ پاسخ آنکه از نظر مادی و خارجی، اقدام مرتکب باید بر اساس معیار نوعی یعنی از دید «انسان متعارف» در غالب موارد موجب قتل بر دیگری شود نمی‌رسد و قتل غیر عمدی، اما از نظر رکن روانی، نیز باید احراز شود که مرتکب نسبت به این امر، آگاه و متوجه بوده است. در این مقاله ضمن تحلیل مفهوم شناسی قتل عمدی فقهی و کلاسیک به بررسی درجات آن با توجه به شدت قصد مجرمانه پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که نوع درجه بندی هم در میزان مجازات مرتکب مؤثر است و هم می‌تواند منطبق با اصول عدالت کیفری باشد.

کلیدواژگان: تقصیر جزایی، رکن روانی، جرائم عمدی، فقه و حقوق.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

sabooripour@gmail.com

** استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

*** استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

**** استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

نویسنده مسئول: مهدی صبوری پور

مقدمه

برای تحقق جرائم علاوه بر عنصر قانونی و عنصر مادی نیاز به عنصر روانی می‌باشد. عنصر روانی به معنای داشتن سوء نیت است، سوء نیت که متشکل است از علم و آگاهی، همانطور که مشخص است در جرایم غیر عمدی این علم و آگاهی وجود ندارد و تقصیر جزایی جایگزینی برای این عنصر قرار داده شده است در حالی که تقصیر جزایی از اجزای تشکیل دهنده عنصر مادی است. همانطور که مشخص است برای تحقق یک جرم صرف نقض اوامر و نواهی قانونگذار کافی نیست، بلکه فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد و این خواست و اراده در کنار سایر عناصر جرم (عنصر قانونی، عنصر مادی) به عنوان عنصر معنوی شناسایی شده است. عنصر روانی یا همان عنصر معنوی به عنوان رکن تحقق هر جرمی مبین توجیه اخلاقی مسئولیت کیفری مرتکب است، به گونه‌ای که فقدان آن موجبات مؤاخذة مرتکب را از میان می‌برد این نتیجه را می‌توان با استفاده قانونگذار از کلمات قصد تقلب در ماده ۱۹۵ق.م.ا. تعزیرات و یا استفاده مستقیم از کلمه سوء نیت در بند ۳ ماده ۱۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح گرفت. اما با این اوصاف تردیدهایی در خصوص ماهیت رکن روانی جرم غیر عمدی کماکان وجود دارد. برای آنکه عنصر روانی تحقق پیدا کند وجود دو عامل ضرورت دارد: یکی اراده ارتکاب و دیگری قصد مجرمانه (یا خطای جزایی). اراده ارتکاب آن است که شخص بخواهد عمل مجرمانه‌ای را انجام دهد. از طرف دیگر عملی که با اراده ارتکاب انجام می‌یابد، چنانچه با قصد مجرمانه یا خطا توأم نباشد، باز به این خاطر که فاقد عنصر روانی است، جرم تلقی نمی‌شود. در این مقاله با توجه به نقش عنصر روانی در تفکیک جرایم به عمد و غیر عمد و با در نظر داشتن نصوص قرآنی در این رابطه، به این سؤال پاسخ خواهیم داد که ضابطه درجه‌بندی قتل عمد با محوریت عنصر روانی چیست و در قرآن چه مبنایی در این خصوص پیش بینی شده است؟

پیشینه بحث

در ارتباط با ماهیت جرایم علیه اشخاص، قتل، قتل عمد و عنصر روانی آن‌ها پایان‌نامه‌ها و مقالات حقوقی زیادی تا به حال به نگارش در آمده است. به عنوان مثال

مارک آنسل در مباحثی نزدیک به موضوع، با طرح پرونده شخصیت به لزوم توجه به شخصیت مجرم و تعیین کیفر متناسب با عنصر روانی پرداخته است. و یا در نظام حقوقی انگلستان در مورد عنوان مجرمانه قتل عمدی، فقط «قصد کشتن» در شخص مرتکب به عنوان عنصر روانی جرم قابل بررسی است و طرح معیار نوعی (به معنای پیش‌بینی نتیجه و علم به وقوع آن) صرفاً به عنوان دلیل بر اثبات وجود قصد قابل اعتناست (گدرین و کویین، ۲۰۰۶: ۵۸). در منبعی دیگر آمده هسته مرکزی رکن روانی جرم، قصد و خواست واقعی مرتکب و «انتخاب آزادانه او» است. در واقع، شاید بتوان گفت وجه تمیز اصلی مسئولیت کیفری از سایر انواع مسئولیت در حقوق، همین توجه به سرزنش‌پذیری اخلاقی رفتار است؛ یعنی، مسئول شناختن فرد از لحاظ جزایی و مجازات او اصولاً زمانی معنا پیدا می‌کند (واسرستوم، ۲۰۰۰: ۹۵).

مفهوم شناسی

تعریف لغوی و اصطلاحی قتل عمد

قتل، کلمه‌ای است عربی و در دستور عربی مصدر فعل «قتل یقتل» می‌باشد و در لغت به معنی «کشتن» آمده است (دهخدا، ۱۳۴۰، ج ۳۲: ۱۶۲). در فرهنگ عمید نیز آمده است: «قتل - مص [ع] [ق] کشتن» (عمید، ۱۳۶۵، ج ۳: ۱۸۷۷). آنچه که بیان شده است مفهوم لغوی قتل بوده ولیکن قتل در مفهوم اصطلاحی، از مفهوم لغوی خود به دور نمانده است. جعفر جعفری لنگرودی در «ترمینولوژی حقوق»، در معنی قتل چنین می‌گوید: «لطمه به حیات دیگری وارد ساختن (از غیر طریق سقط جنین) خواه به واسطه عمل مادی و فیزیکی باشد، خواه به واسطه ترک فعل» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۵۳۸). پس می‌توان قتل را به «سلب حیات از دیگری» تعریف نمود.

تعریف قتل عمد از منظر حقوق

از قتل عمد تعاریف مختلفی ارائه شده است. علیرضا فیض قتل عمد را اینگونه تعریف کرده است: «قتل عمد جرمی است که شخص عاقل و بالغ با اراده و قصد قتل مرتکب آن شود و نتیجه مجرمانه آن را خواستار است» (فیض، ۱۳۶۴: ۲۱۶). در حقوق جزای

اختصاصی، منظور از «قتل» مطلق سلب حیات نیست، بلکه منظور سلب حیات از تمامیت جسمانی دیگری است و لذا خودکشی اگرچه سلب حیات است، اما در جزای اختصاصی مطرح نمی‌شود (مجیدی، ۱۳۸۲: ۱).

لنگرودی در خصوص قتل عمدی می‌گوید: «قتل عمد از روی قصد و اراده را گویند» (جعفری لنگرودی، پیشین: ۵۲۸). در تعریف مذکور، ذکری از سلب حیات به میان نیامده است. قتل عمدی بدون سلب حیات قابل تصور نیست، پس تعریف مذکور جامع و مانع نمی‌باشد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۱۱ نیز بدون تعریف قتل عمدی به تصویب کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی رسید و صرفاً به ذکر مصادیق قتل عمدی پرداخته است؛ بنابراین قانونگذار با توجه به اینکه مفهوم قتل عمد روشن است، نخواست تعریفی از آن ارائه دهد، بلکه آنچه اهمیت دارد، تشخیص مصادیق قتل عمد و تفکیک قتل عمد از شبه عمد و خطای محض است (حائری شاه‌باغ، ۱۳۸۹: ۳۲).

تعریف قتل عمد از منظر فقه

در کتب فقهی قتل عمدی مستوجب قصاص به این صورت تعریف شده است: «هو ازهاق النفس المعصومة المكافئة عمداً عدواناً» (شهید اول، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۵۸) یا «هو ازهاق النفس المعصومة المكافئة عمداً» (موسوی خمینی، ج ۲: ۴۵۹) یا «هو ازهاق النفس المعصومة المكافئة عمداً» (محقق حلی، بی تا: ۲۸۴). همچنین شهید اول در «لمعه» می‌فرماید: «والعمد يحصل بقصد البالغ. الى القتل بما يقتل غالباً قیل أو نادراً» یعنی وقتی قتل عمدی خواهد بود که شخص بالغ قصد کند کسی را با وسیله‌ای که غالباً کشنده است به قتل برساند و برخی گفته‌اند لازم نیست غالباً کشنده باشد. بلکه، اگر به طور نادر کشنده باشد کفایت می‌کند (شهید اول، پیشین، ج ۱: ۲۵۸).

قدر متقن آنکه عمد محقق می‌شود با قصد قتل از سوی بالغ عاقل با وسیله‌ای که غالباً کشنده باشد تا اینجا اجماعی بوده و مورد توافق همه است اما اگر قصد قتل باشد ولی وسیله نوعاً کشنده نباشد اختلاف نظر هست. برخی از فقها این قتل را عمدی و موجب قصاص دانسته‌اند به استناد اینکه اولاً قصد قتل وجود دارد و ثانیاً مطابق روایات متعدد ملحق به عمد است (ملک محمدی، ۱۳۷۷: ۹۰).

مفهوم عنصر روانی قتل عمد

عنصر روانی از دو واژه "عنصر" و "روانی" ترکیب یافته است. در فرهنگ لغت واژه "عنصر" را چنین تعریف کرده‌اند: «اصلی، بنیاد اصلی که اجسام دارای طبایع مختلف از آن تشکیل می‌گردند» (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۱۴۴۷۰). ذیل واژه "روانی" در فرهنگ لغت چنین نوشته شده است، «رجوع به روان شود» (دهخدا، پیشین، ج ۸: ۸۳۲). در ذیل "روان" آمده است: «مراد از روان نفس ناطقه است و تیره روان به معنای سیه دل و قسی القلب است» (دهخدا، پیشین، ج ۷: ۸۲۴). صانعی در مورد علت انتخاب واژه "عنصر روانی" می‌نویسد: «غالب مؤلفین ایرانی حقوق جزا با اقتباس از حقوق فرانسه element moral را که سومین عنصر تشکیل‌دهنده جرم است "عنصر معنوی" ترجمه کرده‌اند. بکار بردن تعبیر "معنوی" در زبان فارسی صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا چنانچه "عنصر معنوی" را در مقابل "عنصر مادی" جرم به کار برده باشیم، این اشکال پیش می‌آید که از این نظر عنصر قانونی هم جنبه معنوی دارد. بعضی از حقوقدانان، من جمله مرحوم سمیعی (سمیعی، پیشین: ۵۴). «به جای moral کلمه اخلاقی را به کار برده‌اند. این تعبیر نیز درست نیست، زیرا چنانچه قبلاً تذکر دادیم، دامنه حقوق جزا و اخلاق در بسیاری از موارد با یکدیگر تطبیق نمی‌کند، و عمل مجرمانه لزوماً جنبه ضد اخلاقی ندارد. با توجه به این مسائل ما سومین عنصر تشکیل‌دهنده جرم را "عنصر روانی" نامیده‌ایم، زیرا در اینجا مسائلی از قبیل اراده ارتکاب و قصد مجرمانه مطرح است که کاملاً جنبه روانی دارد» (صانعی، پیشین، ج ۱: ۳۰۴).

در قرآن کریم در خصوص تفاوت سرزنش گناهان عمدی و خطایی آمده است (احزاب/۵). «...اما گناهی بر شما نیست در خطاهایی که از شما سر می‌زند، ولی آنچه را از روی عمد می‌گویید (مورد حساب قرار خواهد داد)» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۴۱۷). بر اساس آیه مذکور استنباط می‌شود: میان شخصی که کار بدی را از روی "عمد" انجام می‌دهد و شخصی که کاری را از روی "خطا" مرتکب می‌شود از نظر محاسبه رفتار و میزان سرزنش فرق گذاشته شده است. به طور کلی تأمین عدالت در جامعه و خضوع اشخاص در برابر عدالت ایجاب نمود که قانونگذار رفتاری را که از روی تقصیر جزایی و یا قصد مجرمانه واقع شده باشد، مجازات نماید (جلال، ۱۹۶۵: ۴۱-۳۱).

گفتنی است با مراجعه به منابع فقهی و روایاتی که در مورد قتل عمدی وارد است، روشن می‌شود آنچه در تحقق قتل عمدی مهم است، عبارت است از استناد قتل به علت و سبب معین و تفاوتی نمی‌کند که آن سبب، امر وجودی باشد یا عدمی، زیرا چه فرقی می‌کند مادری به قصد کشتن فرزندش سر او را زیر آب فرو ببرد یا همان مادر در حالی که وظیفه‌اش شیردادن است، با قصد کشتن فرزند او را شیر ندهد و در نتیجه جلوی چشمان او بمیرد. به طور کلی تأمین عدالت در جامعه و خضوع اشخاص در برابر عدالت ایجاب نمود که قانونگذار رفتاری را که از روی تقصیر جزایی و یا قصد مجرمانه واقع شده باشد، مجازات نماید (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۳۶).

درجات قتل عمدی به اعتبار عنصر روانی

در این قسمت به بررسی درجات قتل عمدی پرداخته می‌شود.

۱. قتل عمد همراه با قصد صریح یا مستقیم

قتل عمد محض، قتلی است که مرتکب قصد صریح قتل داشته باشد و عمل وی نیز نوعاً کشنده باشد. قتل عمد همچنین بنا بر نظر قانونگذار و صاحب «تحریر الوسیله» در جایی که عمل نادراً کشنده است اما کشتن وجود دارد، متصور است. برخی این مورد را قتل نمی‌دانند، قتل عمد همراه با قصد صریح وقتی است که فاعل به روشنی قصد کشتن دیگری را داشته و اراده ابتدایی وی بر قتل یا سلب حیات از مجنی علیه تعلق گرفته است. در این صورت چگونگی انجام فعل ارتكابی و ویژگی‌های آلات و ابزار جنایت در نوع جرم مؤثر نبوده و در هر صورت جنایت مذکور عمدی قلمداد می‌گردد زیرا قصد جانی در سلب حیات از مجنی علیه محقق شده است (میر محمد صادقی، پیشین: ۱۱۰).

۲. قتل عمد همراه با قصد غیر صریح یا غیر مستقیم

در مواردی ممکن است مرتکب قتل بدون آنکه قصد صریح بر وقوع قتل داشته باشد، قصد فعل وی به تنهایی در تحقق عمد کافی باشد. در این صورت فعل ارتكابی از چنان خصوصیتی برخوردار است که به موجب آن می‌توان قصد مجرمانه را مفروض تلقی کرد. به عنوان مثال در قتل‌های شبهه عمدی ساده لزوماً احراز تقصیر در آن لازم نیست اصولاً

در جرائم غیر عمدی برای تحقق مسئولیت، وجود تقصیر جزایی لازم است و بدون آن هرچند ممکن است فرد به لحاظ مدنی ضامن خسارت شود اما ضمان کیفری‌ای بر آن مترتب نخواهد بود (میرمحمدصادقی، پیشین: ۹۹).

اما در مقررات جزایی ایران به جز ماده ۷۱۸ از کتاب تعزیرات که در آن مقنن بدون ارائه فرمول و یا قاعده معین فقط به صرف بیان چند مصداق و فقط در خصوص جرائم رانندگی بسنده کرده است، تفاوت و وضوحی بین درجات تقصیر وجود ندارد. میرمحمدصادقی ضمن نقد نظام تقنینی ایران در عدم درجه بندی بین حالات مختلف سهل انگاری بیان می‌دارند: «در حال حاضر کسی که احتمال قوی می‌دهد که از عمل شدیداً مسامحه کارانه وی مرگ یا جراحی رخ دهد، با کسی که عملش تنها اندکی مسامحه کارانه است و احتمال مرگ یا جراحی را هم نمی‌داده است، از لحاظ اینکه در هر دو حالت حکم به پرداخت دیه داده می‌شود، تفاوتی وجود ندارد، در حالی که قطعاً عرف، شخص اول را بسیار قابل سرزنش‌تر از شخص دوم می‌داند. این تفاوت می‌توانست با پیش بینی مجازات تعزیری نشان داده شود». ایشان در ادامه می‌گویند: «این وضعیت رضایت بخش نیست و می‌تواند با پیش بینی مجازات تعزیری برای برخی از مواردی که مرتکب، علی‌رغم پیش بینی خطر، همچنان به ارتکاب آن رفتار زده است، جبران شود» (میرمحمدصادقی، پیشین: ۱۳۱ و ۱۳۲).

۳. قتل عمد همراه با قصد احتمالی یا بی پروایی

در حوزه عنصر روانی برخی از جرائم مستلزم ارتکاب عمدی یا آگاهانه رفتاری خاص می‌باشند. اما برخی جرائم دیگر همراه با قصد احتمالی یا بی پروایی ممکن است صورت بگیرند. مدت‌های مدیدی است که قانون شخص خلافاً برای تفاوت را قابل سرزنش و مستحق مجازات می‌داند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰: ۹۸).

رفتار همراه با بی پروایی شدید که از نظر یک انسان متعارف نه فقط ناموجه بلکه متضمن خطر مرگ یا صدمه شدید بدنی از درجه بسیار بالا به دیگری یا دیگران باشد و عملاً موجب مرگ دیگری گردد، با وجود اینکه همراه با قصد قتل یا صدمه شدید بدنی نباشد ممکن است با توجه به شرایطی که خواهیم گفت قتل عمدی به حساب آید. به

طور کلی بحث بر سر این است که علاوه بر ایجاد خطر بزرگ آیا متهم برای اینکه مرتکب قتل عمدی شناخته شود باید شخصاً از چنین خطر مبهمی که ناشی از رفتار اوست آگاه باشد یا خیر؟ برای فهم این بحث باید دو موضوع را مورد بررسی قرار داد:

ایجاد خطر: هر رفتاری که باعث خطر نامتعارف صدمه به دیگران باشد به طور کلی بی احتیاطی عادی گفته می‌شود یعنی نوعی تقصیر که معمولاً بنای مسئولیت مدنی و گاهی اوقات مسئولیت کیفری است.

در قتل عمدی، درجه خطر مرگ یا صدمه شدید بدنی باید بیش‌تر از صرف یک خطر نامتعارف و حتی خطر از درجه بالا باشد. شاید چنین خطری را بتوان به عنوان خطر بسیار شدید تعریف کرد تا از سایر خطرهای خفیف‌تر متمایز گردد.

«اقدام نوعاً کشنده» یادشده در ضابطه دوم قتل عمدی (بند ب ماده ۲۹۰ ق. م. ا.) امری عینی و مادی است که ملاک آن را قانونگذار نوعی بر مبنای انسان متعارف تعیین کرده است. این مفهوم، ترکیبی از اجزائی مختلف است، مانند عمل مرتکب، وسیله، وضعیت انسان از جنبه‌هایی مانند موضع، سلامتی، بلوغ، توانایی و غیره که علم پزشکی با لحاظ همه این موارد تشخیص دهد «این اقدام» نوعاً و غالباً در انسان‌های متعارف، به قتل منتهی می‌شود (گودرزی، ۱۳۷۶: ۴۷؛ کیانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸). با این وجود تفاوتی ظریف بین نوعاً کشنده بودن در ماده ۲۹۰ ق. م. ا. با تبصره ماده ۲۹۲ ق. م. ا. وجود دارد و آن اینکه نوعاً کشنده بودن در ماده ۲۹۰ ق. م. ا. ناظر به جنایتی است که مرتکب بر مجنی علیه مقصود خود وارد کرده است، اما در تبصره ماده ۲۹۲ ق. م. ا. ناظر به این است که اقدام مرتکب نوعاً موجب جنایت بر دیگری شود. بر این اساس، در فرضی که مرتکب، انسان محقوق‌الدمی را هدف گلوله قرار دهد و گلوله به سینه شخص مقصود اصابت کرده و بمیرد، اقدام او بر اساس بند ب ماده ۲۹۰ و با استفاده از ملاک نوعی از طریق تشخیص پزشکی قانونی، نوعاً و چه بسا محققاً نسبت به انسان متعارف کشنده است، اما اگر فردی در جنگلی مملو از انسان‌ها به سمت شکاری تیری پرتاب کند و به یکی از انسان‌های موجود در آنجا اصابت کند و بمیرد، باز هم ملاک نوعی است، اما تشخیص اینکه اقدام او نوعاً موجب

قتل بر دیگری می‌شود یا نه، به لحاظ تخصصی نبودن، از امور پزشکی خارج بوده و عرفی است زیرا در این موارد بر خلاف بند ب ماده ۲۹۰ ق. م. ا، بحث بر سر تشخیص مواضع غالباً کشنده انسان متعارف که امری پزشکی است، نیست بلکه بحث بر سر وضعیتی است که آیا رفتار مرتکب در آن وضعیت، موجب جنایت بر دیگری می‌شود یا خیر، که این موضوع، امری عرفی است. از این رو، در موارد تبصره ماده ۲۹۲ ق. م. ا باید دادگاه خود با بکارگیری ملاک نوعی «انسان متعارف» بررسی کند آیا انسان متعارف، اقدام مرتکب را نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌داند یا خیر؟ و در صورت پاسخ مثبت، «نوعاً کشنده بودن اقدام مرتکب بر دیگری» احراز می‌شود.

درک خطر: در اینجا فرض بر این است که رفتار متهم موجب وضعیتی می‌شود که یک انسان متعارف بداند این وضعیت خطر نامتعارف و از درجه بسیار بالای مرگ یا جرح شدید بدنی برای دیگری یا دیگران است. اما سؤال این است که اگر متهم از خطر ناشی از رفتارش آگاه نباشد آیا محکوم به قتل عمدی خواهد شد یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد؛ عده‌ای معتقدند که مرتکب باید واقعاً چنین بی‌پروایی داشته باشد به عبارتی باید درک شخصی از خطر داشته باشد. اما عده‌ای دیگر معتقدند که باید یک انسان متعارف خطر را درک کند و چنین بی‌پروایی داشته باشد (امیر اعتمادی، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

پس از آنکه احراز شد رفتار مرتکب نوعاً موجب قتل بر دیگری (شخص غیر مقصود مرتکب) شده است، نوبت به آن می‌رسد که عناصر آگاهی و توجه مرتکب احراز شود. با توجه به سیاق ماده ۱۴۴ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲، «آگاهی» به معنای علم صددرصد است و هرگونه تردید جزئی، جهل محسوب می‌شود؛ با این وجود از آنجا که قانونگذار متعلق این آگاهی را «اقدام نوعاً موجب قتل بر دیگری» دانسته است، این آگاهی معطوف به «کشنده بودن اقدام مرتکب» نیست. از این رو، برای عمدی محسوب کردن قتل بر اساس این تبصره، باید مرتکب علم قطعی به کشنده بودن رفتارش داشته باشد (قیاسی، ۱۳۹۳: ۲). اکنون این بحث مطرح می‌شود که معیار مورد نظر قانونگذار برای آگاهی و توجه در قتل عمدی ناشی از بی‌پروایی آگاهانه

چيست؟ از عبارت "مرتکب آگاه و متوجه باشد" در تبصره ماده ۲۹۲ ق. م. ا. برمی‌آید که قانونگذار «معیار شخصی» برای آگاهی و توجه مرتکب را به کار گرفته است. بر این اساس «اگر مرتکب آگاه و متوجه نباشد که اقدام او نوعاً سبب وقوع آن نتیجه می‌شود، نمی‌توان جنایت ارتكابی را عمدی دانست» (مرادی و شهبازی، ۱۳۹۴: ۵۳). با این حال سؤال مهم‌تر این است، چگونه می‌توان بین «معیار نوعی» که در «اقدام نوعاً موجب قتل بر دیگری» ملاک است با معیار شخصی که در «آگاهی و توجه مرتکب» مبناست، جمع کرد؟ پاسخ آنکه از نظر مادی و خارجی، اقدام مرتکب باید بر اساس معیار نوعی یعنی از دید «انسان متعارف» در غالب موارد موجب قتل بر دیگری شود، اما از نظر رکن روانی، نیز باید احراز شود که مرتکب نسبت به این امر، آگاه و متوجه بوده است.

تعامل تقصیر و عمد

به نظر می‌رسد که قانونگذار در قسمت اخیر بند پ ماده ۲۹۱ ق. م. ا. تعامل تقصیر (بی‌تفاوتی فاحش) را به این نحو بیان کرده است؛ هرچند مرتکب قصد در رفتار نسبت به مجنی علیه را نداشته و قصد ایراد جنایت بر او را نیز ندارد ولی بی‌تفاوتی فاحش او به حیات و سلامت دیگری و قطعیت اصابت اقدام وی به مجنی علیه می‌تواند جنایت ارتكابی را تبدیل به عمد نماید.

به طور کلی در مواردی که تقصیر از درجه بسیار شدید بوده و در واقع مبین بی‌تفاوتی فاحش مرتکب به حیات انسان‌ها است و وقوع جنایت قطعیت داشته باشد و مرتکب نیز آگاه و متوجه باشد که رفتار او نوعاً موجب وقوع جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد برای عمدی بودن جنایت کافی است.

اتخاذ این راهبرد در شرایط کنونی جامعه یک امر الزام آور و بازدارنده‌ای است که می‌تواند با القای ترس از مجازات به تأمین امنیت مردم کمک کند و بی‌پروایان نتوانند در پناه نظریه تقصیر حیات انسان‌ها را به مخاطره بیندازند و به هر ترتیب باید میان تقصیر ساده، تقصیر مشدد و بی‌پروایی قائل به تفصیل بود (آقایی نیا، ۱۳۹۶: ۳۱۹).

۴. قتل عمدی با سبق تصمیم و بدون سبق تصمیم

سوء نیت با سبق تصمیم عبارت است از آنکه شخصی برای ارتکاب جرم از قبل، با طراحی و برنامه ریزی اقدام نموده و ممکن است برای تحقق آن، ابزار و شرایط لازم را نیز تهیه کرده باشد. در مقابل در جرائم با سوء نیت اتفاقی یا بدون سبق تصمیم، گرچه فاعل بدون طرح و نقشه قبلی اقدام می‌ورزد، ولی حتی در این حالت نیز خالی از سوء نیت نخواهد بود و بلافاصله با قصد ارتکاب که آنی و دفعتاً برای وی محقق می‌شود. نیت مجرمانه خود را به منصف ظهور رساند. مطابق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵: «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید». بر این مبنا به هر دلیلی از جمله عفو شاکی و غیره امکان اجرای قصاص وجود نداشته باشد با یکی از دو شرط مذکور در ماده تعریض ۳ تا ۱۰ سال اعمال خواهد شد. در این وضعیت امکان اجرای نظام درجه بندی کیفر بر مبنای عنصر روانی یا هر مبنای دیگری که مقنن در نظر داشته باشد، وجود خواهد داشت.

۵. قتل عمدی با سوء نیت مطلق و مقید

یکی از اقسام رکن روانی قتل عمد، «قتل با سوء نیت مطلق» و «قتل با سوء نیت مقید» می‌باشد. در «قتل با سوء نیت مطلق»، قاتل اقدامات مادی را جهت سلب حیات از افراد غیر معین مرتکب می‌شود و نتیجه حاصل برای قاتل، منحصر به فرد معین و مشخص نیست؛ مثل بمب گذاری در یک مکان عمومی که برای مرتکب فرق نمی‌کند، چه کسی کشته خواهد شد. به عبارت دیگر، برای او این موضوع، که در نتیجه عملیات مزبور کدام شخص به قتل می‌رسد، حایز اهمیت نیست. «در قتل با سوء نیت مقید»، مرتکب قصد سلب حیات از انسان معینی دارد و اعمال مادی خود را بر شخص مورد نظر متمرکز می‌کند.

قانونگذار ایران در خصوص شرطیت علم به موضوع تا تصویب ق.م.ا. مصوب سال ۱۳۹۲ جز با عباراتی همچون «عالمماً و عامداً» و «از روی علم و آگاهی» و نیز تصریح علم

به موضوع و حکم در برخی جرایم عمدی، نص صریحی نداشت؛ اما در قانون اخیر الذکر موضع خود را در مورد اختلاف نظرهای حقوقدانان در اینکه از ارکان و شرایط جرم عمدی است، تعیین کرد. در این راستا، ماده ۱۴۴ از قانون مذکور می‌گوید: «در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد». در ماده ۱۴۰ از همین قانون نیز با ذکر شرایط مسئولیت کیفری، ذهنیت گذشته را در زدودن ابهام مورد اشاره از بین برده است. در این ماده می‌خوانیم: «مسئولیت کیفری تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد، به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است. گذشته از مواد فوق، مقنن در کتاب قصاص برای تعیین تکلیف نوع قتل‌هایی که به لحاظ جهل به موضوع اتفاق می‌افتند، به واسطه ماده ۲۹۱ وارد عمل شده و نوع آن را شبه عمدی بیان نموده است. در این بند آمده است: «هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد، مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، به مجنی‌علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد»؛ اما مقنن همیشه به این اعتقاد خود پای‌بند نبوده و اشتباه در هویت را استثنائاً قتل عمدی دانسته است. در ماده ۲۹۴ در این مورد بیان کرده است: «اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود، در صورتی که مجنی‌علیه و فرد مورد نظر هر دو مشمول ماده ۳۰۲ این قانون نباشند، جنایت عمدی محسوب می‌شود».

نگارندگان معتقدند است به جای استعمال واژه اشتباه بهتر است از کلمه خطای در هدف یا خطای در اصابت استفاده شود؛ زیرا در اشتباه اصولاً شبیه گرفتن امری به جای امر دیگری رخ می‌دهد؛ در حالی که در خطای در اصابت یا هدف فاعل چیزی را به جای چیز دیگر شبیه نمی‌گیرد؛ بلکه از جهت وقوع خطایی که ممکن است در اثر لغزش دست یا وزش باد باشد، به ضربه یا تیر او به جای هدف مورد نظر به هدف دیگری اصابت می‌کند؛ اما گذشته از آن، جهل به موضوع را از هر کدام از انواع پنج‌گانه فوق بدانیم، قتل را از عمدی خارج خواهد کرد. از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد خطای محض، خروج از مرزهای متعارف خطای محض است. شمول این تبصره بر بند

«پ» به این معناست که صرف فقدان قصد نتیجه حاصله، فقدان قصد فعل نسبت به مجنی علیه و فقدان تقصیر، در صورتی کافی برای خطای محض بودن است که مرتکب متوجه و آگاه نباشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد. در غیر این صورت، اگر بداند که چنین اقدامی نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌شود، جنایت عمدی است.

در مورد مثال ذیل بند «پ»: «مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید» و تعامل آن با تبصره مرقوم، می‌توان گفت اگر مرتکب می‌بیند که در محل شکار، انبوهی از شکارچیان مشغول شکارند و شلیک گلوله به طرف شکار، حتی با انحراف جزئی می‌تواند به شخص دیگری اصابت کند و بدون لحاظ این وقوف، اقدام به تیراندازی نماید و دیگری به قتل برسد، قتل عمدی است. دلیل ماهوی تصویب این تبصره در مورد بند «پ» آن است که اگر هدف نخست مرتکب (شکار یا غیر آن) با انسانی که مورد نظر مرتکب نبوده و به قتل رسیده، نوعاً قابل تفکیک به دو هدف و شمول قاعده اشتباه در هدف در مورد آن‌ها امکانپذیر نباشد، چنین آگاهی و توجهی تقصیر محسوب نمی‌شود و عمد خواهد بود.

نکته ای که باید بدان توجه کرد اینکه معمولاً قانونگذار برای وضع قوانین ادله فقهاتی را مستند وضع قوانین قرار می‌دهد، ولی در خصوص تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا با بررسی منابع فراوان فقهی از جمله «تحریر الوسیله»، «جواهر الکلام» و «مبانی تکملة المنهاج»، مستندی در این زمینه یافت نشد. مقنن در بند «پ» ماده ۲۹۱ ق.م.ا به این مسأله اشاره دارد که: «هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد» جنایت شبه عمدی محسوب می‌شود و در بند پ ماده ۲۹۲ «جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نمایند» خطای محض محسوب می‌شود. مقایسه بند پ ماده ۲۹۱ و ۲۹۲ که نشان دهنده تدبیر و دقت نظر مقنن در تشخیص مرز بین جنایت شبه عمدی و خطای محض است، ستودنی است. ولی تبصره ماده ۲۹۲ «... هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام وی نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی

محسوب می‌شود»، بسیار مورد نقد بوده و قابل پذیرش نیست؛ زیرا اولاً تبصره فوق هیچ ملاک و مستند فقهی نداشته ثانیاً در مقام مقایسه با کامن‌لا و حقوق رومی - ژرمنی نیز قابل تطبیق نخواهد بود.

توجه به این مسأله ضروری است که هم در حقوق عُرفی و هم در حقوق رومی - ژرمنی اگرچه قتل از روی بی‌پروایی آگاهانه قتل عمدی است، ولی این نوع قتل از درجه دوم محسوب شده و از مجازات کمتری برخوردار است؛ در حالی که در حقوق ایران چون قتل عمد به درجه یک و دو تقسیم نشده در صورت احراز عمد، مرتکب قصاص می‌شود و این مسأله نه تنها موجب احتیاط در دماء نمی‌شود، بلکه موجب تهجم در دماء می‌شود؛ زیرا در چنین صورتی هر مرتکبی که نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده یا نظیر آن را ولی چون صرفاً آگاه و متوجه بوده که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌شود، محکوم به قتل عمد بوده و قصاص شود.

۶. قتل عمدی با سوء نیت جازم و احتمالی

یکی دیگر از درجه بندی‌هایی که برای سوء نیت مطرح است، درجه بندی آن به سوء نیت جازم و احتمالی است. سوء نیت جازم یا عمد منجز "یعنی داشتن قصد مجرمانه منجز و قطعی در ارتکاب جرم، و سوء نیت احتمالی" یا "عمد احتمالی" یعنی قصد انجام عملی که ممکن است نتایج زیانباری به وجود آورد. نمونه آن ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ در موارد جنایات ناشی از تخلفات رانندگی است.

نکته دیگری که در اینجا باید به آن توجه داشت، تفاوت عمد از نوع عمل نوعاً کشنده و سوء نیت احتمالی و شبه عمد است. برای مثال شرکت هواپیمایی بدون آنکه قصد کشتن مسافران را داشته باشد ولی با علم به خراب بودن و احتمال سقوط هواپیما، اقدام به حمل و نقل مسافران می‌نماید و در جریان آن هواپیما سقوط و تعدادی کشته می‌شوند. در این صورت از نظر حقوقی فرض می‌شود که مسئولین شرکت هواپیمایی در کشتن مسافران "سوء نیت احتمالی" داشته‌اند. در این مورد قصد تبعی و غیر مستقیم کشتن توأم با علم فاعل می‌تواند، قتل را در زمره قتل‌های عمدی قرار دهد. در جرائم ناشی از تصادف رانندگی در ماده ۷۱۸ از همین قانون فاعل در موارد شش‌گانه مذکور در

ماده، احتمال رفتار خطرناک را می دهد، ولی علم و قصد کشتن صریح و منجز را ندارد. به همین دلیل مقنن آن را قتل در حکم شبه عمدی دانسته است. اما در قانون راجع به مجازات اخلاکگران در صنایع نفت (مصوب ۱۹ مهر سال ۱۳۳۶) و نیز قانون مجازات اخلاکگران در صنایع (مصوب ۲ اردیبهشت ۱۳۹۳) قانونگذار عمد احتمالی را در حکم عمد دانسته و برای مرتکب مجازات اعدام پیش بینی کرده است. بنابراین پاسخ شفاف و روشنی به این در نظام قانونی ما وجود ندارد مگر اینکه معتقد باشیم غیر از موارد خاص مذکور که قتل را عمدی دانسته اند که مجازات اعدام می تواند از باب اخلاک در نظم عمومی (تعزیر) قابل توجیه باشد. در بقیه موارد شبهه عمد بوده و ممکن است از باب تعزیر در حد حبس های تعزیری، موجبات تشدید کیفر را به همراه داشته باشد. در حقوق ایالات متحده و انگلستان این نوع از قتل ها را در زمره قتل های با قصد کشتن ضمنی دانسته و عمد تلقی می کنند.

درجه بندی قتل به اعتبار نصوص قرآنی

منبع اصلی جرم انگاری و تعیین کیفر قتل در نظام حقوق کیفری اسلام قرآن محسوب می شود. اگرچه واژه قتل در قرآن ۱۷۰ مرتبه به کار رفته است اما همه آن ها به معنای قتل نفس به معنای جرم قتل نیست گفتنی است واژه قتل در زبان عربی یک اشتراک لفظی محسوب می شود که دارای دو یا چند معناست که معنای اول آن جرم قتل نفس است و معنای دوم آن قتل به عنوان یک کیفر است به هر ترتیب در قرآن کریم با توجه به نیت مجرمانه مرتکب می توان درجاتی را برای قتل به شرح ذیل در نظر گرفت:

۱. قتل های مجاز یا بی کیفر

قتل های مجاز و یا مباح در شریعت اسلام متعدداً اما در یک تعریف ساده می توان گفت هر کس برابر احکام شریعت اسلام مرتکب یکی از جرایم شرعی مستوجب کیفر اعدام یا قتل شده باشد مهدور الدم تلقی و کشتن وی جایز است (دژن، ۱۳۸۴) که مصادیق آن در نظام فقهی و حقوقی ما متعدد می باشد مثل محارب، مرتد، ساب النبوی و

غیره در قرآن مصادیق متعددی از قتل‌های مجاز دیده می‌شود که برای نمونه می‌توان به آیات ذیل رجوع کرد. به عنوان مثال آیه ۱۰۱ از سوره بقره در مورد قتل کافر همچنین آیه ۸۹ از سوره نساء در مورد قتل منافقین که البته این اجازه بعد از طی مراحل است که به هدایت آن‌ها امیدی وجود نداشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۷۱).

۲. قتل خطایی

نوع دیگری از قتل که قرآن به آن اشاره کرده است قتل با درجه خطا می‌باشد که این نوع از قتل در آیه شریفه ۹۲ از سوره مبارکه نساء آمده است. البته در شأن نزول این آیه آمده است منظور از خطا معنای حقوقی آن خطای شبه عمد یا خطای محض نیست بلکه اشتباه در هویتی رخ داده است که قاتل به اعتقاد مهدور الدم بودن مقتول وی را به قتل رسانده است (مکارم شیرازی، همان، ج ۱: ۹۲).

۳. قتل عمد

سومین نوع قتل که در قرآن مشاهده می‌شود این نوع از قتل است که مرتکب دارای عنصر روانی با درجه قصد نتیجه صرف بدون انگیزه مؤمن‌کشی است این نوع از قتل از نظر قرآن بسیار مورد نکوهش قرار گرفته است. در آیات مختلفی از قرآن از اهمیت این نوع قتل یاد شده است مانند آیه ۳۳ از سوره مائده تا جایی که این آیه قتل بی دلیل یک انسان را همانند کشتن تمام مردم روی زمین معرفی کرده است و همچنین آیات ۱۷۹ از سوره بقره و آیه ۳۳ از سوره اسرار نیز دلالت بر این موضوع دارند.

۴. قتل با انگیزه مؤمن‌کشی

از دیدگاه قرآن کریم در میان انواع درجات قتل که شرح آن‌ها گذشت قتل یک انسان به دلیل مؤمن بودن وی شدیدترین درجه از نوع یک قتل می‌باشد در حقیقت انگیزه شرورانه قاتل در این فقره از قتل دخالت داده شده است زیرا غلظت در میزان کیفر با تصریح بر انواع مجازات‌های دنیوی و اخروی برای این نوع از قتل نشان می‌دهد که با قتل‌های عمدی معمولی که فاعل عنصر روانی کاملی دارد فرق می‌کند خداوند در آیه

۹۳ از سوره نساء در مورد قتل عمد مؤمن می‌فرماید: «هر کس فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند مجازات او دوزخ است که جاودانه در آن می‌ماند و خداوند بر او غضب می‌کند و از رحمتش او را دور می‌سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است».

نتیجه بحث

قرآن کریم در تشریح مقررات جزایی، مسیر اعتدال را طی نموده و نظام انگاری خود را با مبانی عقلانی گره زده است. بررسی آیات جزایی بیان می‌دارد که نظام جرم‌انگاری قرآن با لحاظ ملاک‌های عقلانی انجام شده و بر حول ارزش‌های کلیدی و فردی و اجتماعی دور می‌زند. قرآن در خصوص ضررهای سخت و آسیب‌های مستقیم، مبادرت به جرم‌انگاری نموده است. اما در ضررهای سبک و همچنین آسیب رساندن به خود، به منع این قسم از اعمال اکتفا کرده یا به مسئولیت مدنی و جبران خسارت فرمان داده است. بنابراین این کتاب آسمانی برای حفظ جان انسان، اهتمام ورزیده و قتل و جرح عمدی را جرم‌انگاری نموده است. از نظر قرآن کریم در بین اقسام درجات قتل، قتل انسان مؤمن از سنگین‌ترین درجات قتل محسوب می‌شود. از این رو سوء نیت قاتل در این قسم از قتل مد نظر بوده است.

کتابنامه

قرآن کریم

- اردبیلی، محمدعلی. ۱۳۹۲ش، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی. ۱۳۹۲ش، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- اعتمادی، امیر. ۱۳۹۶ش، حقوق کیفری اختصاصی تطبیقی، تهاجم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان.
- آقایی نیا، حسین. ۱۳۹۶ش، جرایم علیه اشخاص (جنایات)، تهران: نشر میزان.
- خوبی، سیدابوالقاسم الموسوی. ۱۹۷۵م، مبانی تکملة المنهاج، ۲جلد، نجف: مطبعة الآداب النجف الأشرف.
- سیهوند، امیرخان. ۱۳۷۵ش، جرایم علیه اشخاص، تهران: نشر مجد.
- شکری، رضا. ۱۳۹۶ش، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر مهاجر.
- شهید اول، محمد بن مکی العاملی. ۱۴۱۴ق، الدروس، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شهید اول، محمد بن مکی العاملی. ۱۴۱۴ق، القواعد والفوائد (فی الفقه والأصول والعربية)، ج ۲ و ۳، تحقیق سید عبدالهادی حکیم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۱۶ق، کتاب الخلاف، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صادقی، محمدهادی. ۱۳۸۷ش، جرایم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)، تهران: نشر میزان.
- عمید، حسن. ۱۳۵۹ش، فرهنگ فارسی، ج ۳، تهران: نشر تهران.
- فیض، علیرضا. ۱۳۶۴ش، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران: نشر طبع.
- گلدوزیان، ایرج. ۱۳۷۲ش، حقوق جزای اختصاصی، ج ۱، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج. ۱۳۷۸ش، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان.
- گلدوزیان، ایرج. ۱۳۹۱ش، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: نشر مجد.
- محقق حلی، شیخ ابوالقاسم نجم الدین. بی تا، المختصر المنافع فی فقه الإمامیة، سلسله الینابیع، ج ۴، بی جا: بی نا.
- مرادی، حسن. ۱۳۹۶ش، جرایم علیه اشخاص (جنایات)، تهران: نشر میزان.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۶۴ش، تفسیر نمونه، ج ۱، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- میرمحمدصادقی، حسین. ۱۳۹۲ش، جرایم علیه اشخاص، جلد اول، تهران: نشر میزان.

مقالات و کتب انگلیسی

- Elliot, Catherine and Frances Quinn (2006), Criminal Law, 6th ed., London: Pearson-Longman.
- Wasserstrom, Richard A. (2000), "H. L. A. Hart and the Doctrines of Mens Rea and Criminal Responsibility" in: University of Chicago Law Review, Vol. 35, No. 1.

مقالات

عبداللهی علی بیک، حمیده. ۱۳۸۳ش، «قاعده اضطرار»، مجله مطالعات قرآنی، ش ۳۶، صص ۸۹-۲۳.

Bibliography

The Holy Quran .

Ardabili, Mohammad Ali 2013, General Criminal Law, Volume One, Tehran: Mizan Publishing. Ardabili, Mohammad Ali 2013, General Criminal Law, Volume 2, Tehran: Mizan Publishing .

Etemadi, Amir. 2017, Comparative Specific Criminal Law, Aggression against Persons, Tehran: Mizan Publishing .

Aghaiy Nia, Hussein. 2017, Crimes against persons (crimes), Tehran: Mizan Publishing .

Khoei, Seyyed Abolghasem Al-Musawi. 1975 AD, Mabani Takmalat Al-Manhaj, 2 volumes, Najaf: Al-Najaf Al-Ashraf Etiquette Press .

Sihvand, Amir Khan 1996, Crimes against Persons, Tehran: Majd Publishing .

Shokri, Reza 2017, Islamic Penal Code in the Current Legal Order, Tehran: Mohajer Publishing .

Shahid Aval, Muhammad ibn Maki al-Ameli. 1414 AH, Al-Dorus, vol. 3, Qom: Islamic Publishing Foundation .

Shahid Aval, Muhammad ibn Maki al-Ameli. 1414 AH, Rules and Benefits (in jurisprudence, principles and Arabic), vols. 2 and 3, research by Seyyed Abdul Hadi Hakim, Qom: Islamic Publishing Foundation

Sheikh Tusi, Muhammad bin Hassan. 1416 AH, Book of Al-Khalaf, vol. 5, Qom: Islamic Publishing Foundation .

Sadeghi, Mohammad Hadi 2008, Crimes against Persons (Physical Injuries), Tehran: Mizan Publishing .

Amid, Hassan. 1980, Persian Dictionary, vol. 3, Tehran: Tehran Publishing .

Faiz, Alireza 1985, Comparison and Application in Islamic Public Criminal Law, Tehran: Taba Publishing .

Goldozian, Iraj. 1993, Exclusive Criminal Law, Vol. 1, Tehran: University of Tehran Press .

Goldozian, Iraj. 1999, Requirements of Public Criminal Law, Tehran: Mizan Publishing .

Goldozian, Iraj. 2012, Islamic Penal Code, Tehran: Majd Publishing .

Mohaqeq Hali, Sheikh Abu al-Qasim Najmuddin. No date, The Summary of Benefits in Imami Jurisprudence, Al-Yanabi Series, Vol 4 .

Moradi, Hassan 2017, Crimes against persons (crimes), Tehran: Mizan Publishing .

Makarem Shirazi, Nasser. 1985, Tafsir Nomoneh, vol. 1, Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya .

Mir Mohammad Sadeghi, Hussein 2013, Crimes against Persons, Volume One, Tehran: Mizan Publishing .

English articles and books

Elliot, Catherine and Frances Quinn (2006), Criminal Law, 6th ed., London: Pearson-Longman.

Wasserstrom, Richard A. (2000), "H. L. A. Hart and the Doctrines of Mens Rea and Criminal Responsibility" in: University of Chicago Law Review, Vol. 35, No. 1.

Articles

Abdullahi Ali Beyk, Hamideh. 2004, "Rule of Emergency", Journal of Quranic Studies, Vol. 36, pp. 89-23.



Investigating the degrees of premeditated murder based on the psychological element with emphasis on Quranic texts

Date of Receiving: May 6, 2020

Date of Acceptance: September 15, 2020

Hamidreza Dejan: PhD Student in Criminal Law and Criminology, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran.

Mehdi Sabooripour: Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Mahmoud Ruh Al-Amini: Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.

Seyed Mehdi Ahmadi Mousavi: Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. Corresponding author: Mehdi Sabooripour

Abstract

In Iranian legislative systems, unlike other legal systems, the classification of murder is not recognized. Now the important question is, how can combine the "standard criterion" that is the criterion in "acting typically causing murder another" with the personal criterion based on "perpetrator awareness and attention"? The answer is that materially and externally, the perpetrator's action should not be based on a certain criterion, i.e, from the point of view of a "normal person", in most cases, it leads to the murder of another, and unintentional murder, but also from a psychological point of view, should be found that he was aware of this. In this article, while analyzing the concept of jurisprudential and classical premeditated murder, we examined its degrees according to the severity of criminal intent and concluded that the type of grading is both effective in the amount of punishment and it can be in accordance with the principles of criminal justice.

Keywords: criminal offense, psychological element, intentional crimes, jurisprudence and law.